

پنداره وجود توثیق عام برای مشایخ جعفر بن بشیر بجلی

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۴/۸/۵

محمدصادق بخشی جویباری*

چکیده

رجالیان در باز شناسی حال راویان و بحث در باره وثاقت و یا ضعف ایشان افزون بر توثیقات فردی و خاص گاه در مواردی با استناد به قواعدی کلی و فراگیر، گروهی از راویان را در شمار موثقان وارد کرده و به اعتبار روایاتشان حکم نموده‌اند. واکاوی دقیق برخی توثیقات عمومی از جمله مسائلی است که در مطالعات راوی شناسی از اهمیت بسزائی برخوردار است. توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بجلی از جمله اموری است که از سوی برخی علمای متاخر به عنوان توثیقی فراگیر تحت ضابطه‌ای خاص معرفی شده است. پژوهش حاضر پس از شناسایی شخصیت رجالی و حدیثی جعفر بن بشیر و گزارشی از نظریه «توثیق مشایخ جعفر بن بشیر»، به نقد این نظریه پرداخته است. این نظریه بازتاب‌های گوناگونی در بین رجالیان متاخر امامی داشته است؛ به گونه‌ای که برخی معتقد به وثاقت تمام استادان جعفر بن بشیر شده و برخی دیگر به علت وجود اشکالات چند، آن را غیر معتبر دانسته‌اند. ناگفته پیداست که در صورت پذیرش این نظریه بخشی از راویان مجهول الحال را باید در شمار ثقات دانست و بسیاری از روایات بدینسان از ضعیف به صحیح رخ می‌نمایند. پژوهش حاضر با بررسی دلائل طرفداران این نظریه — با تکیه به یافته‌های رجالی و حدیثی — ناتمامی نظریه را اثبات نموده است. از اینرو، مشایخ جعفر بن بشیر همانند دیگر راویان نیاز به اثبات و احراز وثاقت دارد.

کلیدواژه‌ها: جعفر بن بشیر، مشایخ، مشایخ ثقات، توثیقات عام.

از کارکردهای دانش رجال شناخت حال راویان سند احادیث است. از این رو، رجالیان برای شناخت حال و اوصاف راویان افزون بر توثیقات فردی و خاص، در مواردی، با استناد به قواعدی کلی و فراگیر، گروهی از راویان ناشناخته را به عرصه موثقان وارد کرده، و به دنبال آن می‌توان حکم صحت براسناد روایت شان بار نمود. مواردی همچون توثیقات مشایخ اصحاب اجماع، مشایخ ثقات سه‌گانه، توثیق تمام و کیلان ائمه، مشایخ اجازه، مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری، مشایخ ابن قولویه در کامل الزیارات و... هم چنین قاعده «توثیق مشایخ جعفر بن بشیر» و توثیقاتی از این دست از جمله قواعد فراگیری است که رجالیان با استناد به آنها به تأیید گروهی از راویان پرداخته‌اند، توثیق مشایخ جعفر بن بشیر از جمله اموری است که از سوی برخی علما به عنوان توثیقی فراگیر و گسترده معرفی شده است. این گونه قواعد رجالی را می‌توان از ابداعات رجالیان متاخر دانست که با تکیه بر مستندات رجالیان و محدثان متقدم شکل گرفته‌اند.

در این مباحث، بیش از اعتبار خود این افراد، از وثاقت گروهی از راویان - که زیر مجموعه ضابطه خاصی هستند - بحث می‌شود. این قاعده در گذر زمان عکس العمل‌های متفاوتی را در بین اندیشوران رجالی شیعه به دنبال داشته است؛ برخی آن را پذیرفته و فوایدی برایش در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر، به جهت اشکالات چندگانه، چون خدشه در مستندات توثیق، وجود موارد نقض، آن را از درجه اعتبار ساقط کرده‌اند. پژوهش پیش رو، پس از ذکر نظریات موافقان این قاعده فراگیر و مخالفان آن، و پس از بررسی مستندات این توثیق و اشکالات وارده، در پی اثبات عدم اعتبار این توثیق عام است.

پیشینه پژوهش

با تتبعی که نگارنده داشته است به نظر می‌رسد که پس از نجاشی رجالی معروف سده پنجم تا قبل از قرن دوازدهم، نظریه «توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بجلی» مطرح نبوده است. نخستین کسی که این نظریه را طرح و پایه گذار آن بوده و آن را پذیرفت و در تعلیقه‌اش بر منهج‌المقال در شرح حال برخی راویان روایت جعفر بن بشیر از آنان را نشانه وثاقت دانسته^۱ و حیدر بهبهانی (م ۱۲۰۵ق) است.^۲ پس از ایشان برخی رجالیان با طرح بحث‌های مستقل و یا ضمنی، به این بحث اشاره کرده‌اند.

در میان اندیشمندان معاصر می‌توان به مباحث آیت الله خویی در معجم رجال الحدیث،^۳ آیت الله سبحانی

۱. ر.ک: تعلیقه علی منهج‌المقال، ص ۵۶ و ۱۱۰ و ۱۱۲ و ۱۲۳ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۲۳۰ و...

۲. ر.ک: فوائد الرجالیه ضمن رجال الخاقانی، ص ۴۸، تعلیقه علی منهج‌المقال، ص ۲۷.

۳. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۸.

در کلیات فی علم الرجال،^۴ آیت الله داوری در اصول علم رجال،^۵ و آیت الله ابطحی در تهذیب المقال،^۶ تقریرات درس رجال محقق ارجمند استاد سید جواد شبیری^۷ و شیخ سند در کتاب بحوث فی مبانی علم الرجال،^۸ اشاره کرد. علاوه بر این در لابلای نگاشته‌های برخی فقیهان متأخر ذیل روایت جعفر بن بشیر به اثبات یا رد قاعده مذکور اشاره شده است.^۹ تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، نگاشته مستقلی که به ابعاد مختلف نظریه، ادله و شواهد آن پرداخته باشد، به نگارش در نیامده است؛ هر چند بن مایه‌هایی از آن در برخی آثار رجالی به صورت محدود قابل دست‌یابی است. ناگفته پیداست این پژوهش‌ها تاکنون در لابلای کتاب‌های رجالی معاصران سامان یافته است. این نگاشته در پی آن است که به ادله احتمالی، شبهات و گمانه‌ها پاسخ دهد، و با بیانی جدید و متفاوت از آنچه تاکنون در منابع رجالی آمده است این نظریه را بررسی کند.

خاستگاه توثیق مشایخ جعفر بن بشیر بجلی

به نظر می‌رسد، آنچه موجب این گمانه شده که تمامی مشایخ جعفر بن بشیر ثقه‌اند منشأ آن را می‌توان در کلمات قدما جستجو کرد. نخست نجاشی در شرح حال جعفر بن بشیر بجلی آورده است که ایشان از راویان ثقه و راویان ثقه از او روایت کرده‌اند؛ هر چند این سخن صراحت در توثیق مشایخ ایشان ندارد، ولی احتمال می‌رود که نجاشی با استقرا در احادیث ایشان به این نتیجه رسیده باشد که مشایخ وی همگی ثقه‌اند. دیگری شیخ طوسی در کتاب «عده الاصول»، در بحث حجیت خبر واحد درباره ثقات سه گانه و غیر آن گفته است:

«إذا كان أحدُ الراويين مسنداً و الآخر مرسلًا، نُظِرَ في حال المرسل؛ فإن كان ممن يعلم أنه لا يرسل إلا عن ثقة موثوق به، فلا ترجيح لخبر غيره على خبره؛ و لأجل ذلك سَوَّتِ الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير و صفوان بن يحيى و أحمد بن محمد بن أبي نصر و غيرهم من الثقات الذين عرّفوا بأنهم لا يروون و لا يرسلون إلا عن موثق به، و بين ما أسندّه غيرهم؛ و لذلك عملوا بما سيلهم إذا انفردوا عن رواية غيرهم و أما إذا لم يكن كذلك و يكون ممن يرسل عن ثقة و عن غير ثقة فإنه يقدّم خبر غيره عليه، و إذا انفرد و جب التوقف في خبره إلى أن يدلّ دليل على وجوب العمل به.»^{۱۰}

«چنان که یکی از دو راوی، روایت را به طور مسند و راوی دیگر به طور مرسل نقل کند، به مرسل نگاه

۴. ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۲۷۹.

۵. ر.ک: اصول علم الرجال، ج ۲، ص ۲۳۰.

۶. ر.ک: تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۱۶ و ج ۴، ص ۳۱۵.

۷. برخی از نگاشته‌های درس رجال محقق ارجمند، استاد سید جواد شبیری زنجانی (مد ظله) در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) موجود است. آرای او در زیرنویس این مقاله با عنوان درس گفتارهای معظم له ارجاع داده شده است.

۸. ر.ک: بحوث فی مبانی علم الرجال، ص ۱۴۰.

۹. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۲۲۲، ریاض المسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۷، قاعدة لاضرر و لا ضرار (سیستانی)، ص ۱۹.

۱۰. عده الاصول، ج ۱، ص ۱۵۴.

می‌شود؛ اگر راوی مرسل از کسانی باشد که ارسال نمی‌کند مگر از ثقهای که مورد اطمینان باشد، ترجیحی میان روایت غیر او و روایت او وجود ندارد و به همین سبب است که علمای امامیه میان آنچه محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و ثقات دیگر آورده‌اند و آنچه غیر این بزرگواران به طور مسند ذکر کرده‌اند، یک سان برخورد کرده‌اند و از این رو به مرا سیل این بزرگان زمانی که از روایت غیر آنها منفرد با شد، عمل کرده‌اند. اما اگر راوی شخصی باشد که هم از ثقه و هم از غیر ثقه نقل و ارسال می‌کند، روایت مسند بر آن مقدم می‌شود. و اگر خبری را به تنهایی به نحو مرسل نقل کند، باید در خبر او توقف کرد، مگر جایی که دلیلی بر وجوب عمل به آن وجود داشته باشد.»

بدین سان، برخی رجالیان و محدثان با توجه به ادعای شیخ طوسی بر این باورند بین احادیث مسند سایر روایان و مراسلات مشایخ سه گانه و هم‌چنین دیگر موثقانی که به این روش معروف شده‌اند - که تنها از ثقات نقل حدیث کرده‌اند - فرقی قائل نیستند.^{۱۱}

توضیح مطلب آن که اگرچه از تعبیر شیخ طوسی سخنی از مشایخ جعفر بن بشیر به میان نیامده است، اما پس از یادکرد ثقات سه گانه، از عبارت «و غیرهم من الثقات» تعمیم آن به دیگر ثقات استفاده می‌شود. بدین ترتیب عبارت یاد شده بیان‌گر آن است که راویانی دیگر هم هستند که دارای ویژگی‌های همسان با ثقات سه گانه‌اند و ملحق به آنها.

مناسب است یادآور شود برداشت‌ها از سخن شیخ طوسی یکسان نیست؛ برخی بر این باورند که مقصود از «غیرهم من الثقات» اصحاب اجماع است.^{۱۲} بنا بر گمانه دیگر مراد از «غیرهم» در کلام شیخ طوسی، راویان و محدثانی است که همسان مشایخ ثقات‌اند،^{۱۳} چون جعفر بن بشیر، محمد بن اسماعیل زعفرانی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، خاندان فضال و مانند ایشان، بنابراین بعید نیست که عبارت شیخ طوسی انصراف به افرادی چون جعفر بن بشیر دارد. قبل از تبیین مستندات و دلایل توثیق مشایخ وی، نخست به اختصار به شرح حال رجالی و حدیثی جعفر بن بشیر اشاره گردد.

یک. شخصیت شناسی

برای تبیین بیش‌تر نظریه «وثاقت استادان جعفر بن بشیر» ناگزیر باید نیم‌نگاهی به شخصیت رجالی و حدیثی وی داشت:

جعفر بن بشیر بجلی و شاء،^{۱۴} کنیه او ابو محمد است. محدث، فقیه و از برجسته‌ترین روایت‌گران شیعه در نیمه دوم قرن دوم هجری است. در میان رجالیان تنها نجاشی او را به لقب و شاء توصیف کرده است.^{۱۵} که به نظر

^{۱۱} فوائد الرجالیه ضمن رجال الخاقانی، ص ۴۸، کلیات فی علم الرجال، ص ۲۷۵ و ۲۷۹، بحوث فی مبانی علم الرجال، ص ۱۴۰، تهذیب المقال، ج ۴، ص ۳۱۵.

^{۱۲} ر.ک: خاتمة المستدرک، ج ۵، ص ۱۲۳، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۱.

^{۱۳} ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۲۷۵-۲۷۹.

^{۱۴} و شاء؛ این لقب باعتبار شغل او است که پارچه‌های ابریشمین و گلدار می‌فروخت. ر.ک: تنقیح المقال، ج ۱۵، ص ۶۵، ش ۳۸۱۹.

^{۱۵} ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۳، ش ۲۱۴۱.

برخی دیگر اشتباه است.^{۱۶} وی به قبیله بجلی منسوب است. بجلی، نسبت شمار بسیاری از محدثان شیعه از راه نسب یا ولاء به این قبیله است.^{۱۷} جعفر بن بشیر در کوفه می‌زیست از خاندان وی اطلاع چندانی در دست نیست. برخی نام پدرش را بشیر دهان دانسته‌اند که از مشایخ روایی جعفر به شمار می‌آید.^{۱۸} برخی دیگر وی را بشیر بن عاصم بجلی کوفی می‌دانند^{۱۹} که هر دو از محدثان شیعه به شمار می‌آیند. تاریخ ولادت او روشن نیست اما به لحاظ طبقه‌شناسی احتمالاً قبل از نیمه دوم سده دوم هجری به دنیا آمده است. وفات وی را در سال ۲۰۸ ق ثبت کرده‌اند.^{۲۰}

الف: در نگاه بزرگان

علمای رجال و تراجم، جعفر بن بشیر را به وثاقت و اعتماد و جلالت ستوده‌اند.

نجاشی در یادکرد وی می‌نویسد:

«جعفر بن بشیر یکی از چهره‌های برجسته شیعی بود که بسیار عبادت می‌کرد و یکی از پاکان و زاهدان روزگار به حساب می‌آمد. وی مردی موثق بود. او در شهر کوفه مسجدی بنا کرد که هنوز در زمان ما در قبیله بجلیه وجود دارد، من و جمع زیادی از عالمان شیعه هر وقت به شهر کوفه می‌رویم در این مسجد نماز می‌خوانیم. همان گونه که در سایر مساجد معروف کوفه، همانند مسجد کوفه، نماز می‌خوانیم، استادام ابوالعباس بن نوح می‌گفت: جعفر بن بشیر مشهور بود به «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ»^{۲۱} (گل زیبای دانش). او از راویان

^{۱۶}. قاموس الرجال، ج ۲، ص ۶۱۳ ش ۱۴۳۰. محقق شوشتری منشأ اشتباه نجاشی را برداشت وی از برخی سند روایات که در آن «عن الوشاء و جعفر بن بشیر» آمده دانسته که وی به اشتباه آن را «عن الوشاء جعفر بن بشیر» تلقی کرده است.

^{۱۷}. ر.ک: وقعة صفین، ج ۱، ص ۶۰. بیشتر افراد قبیله در زمان حضرت علی علیه السلام جانب ایشان را گرفتند و در جنگ صفین جز اندکی در سپاه آن حضرت بودند.

^{۱۸}. ر.ک: الجامع فی الرجال، ج ۱، ص ۳۷۱؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۷۵.

^{۱۹}. ر.ک: تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۷۵.

^{۲۰}. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۱۹، ح ۳۰۴؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۶۴۱، ح ۱۱۲۵.

^{۲۱}. نجاشی در توصیف جعفر بن بشیر لقب «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ» را به وی داده است. در ضبط و قرائت و معنای آن بین علما اختلاف است:

۱- در قرائت نجاشی و علامه در ایضاح از آن به «فَقَّحَةُ الْعِلْمِ، ای زهرة العلم»، یاد شده است، بر فرض صحت این قرائت این لفظ به معنای «گل» است، در اینجا به معنای گل زیبای دانش معنی می‌دهد. (رجال النجاشی، ص ۱۱۹ ش ۳۰۴، ایضاح الاشتباه، ص ۱۲۸ ش ۱۲۵، لسان المیزان، ج ۲ ص ۱۱۰ ش ۴۵۰).

۲- علامه در ایضاح الاشتباه به نقل از سید صفی الدین محمد بن معد موسوی قرائت «نَفْحَةُ الْعِلْمِ» را یاد آور شده است. یعنی عطر و بوی دل‌انگیز، چنانکه عطر و بو مشام انسان را نوازش می‌دهد. بوی معطر دانش هم دل و جان انسان را نوازش می‌دهد. (ایضاح الاشتباه، ص ۱۲۸ ش ۱۲۵).

۳- از علامه در خلاصه و ابن داود در رجالش قرائت «قُفَّةُ الْعِلْمِ» نقل شده است. بنابراین قرائت به معنای ظرف و زنبیل آمده که ظرف دانش معنی می‌دهد. (خلاصة الاقوال، ص ۳۲، ش ۷، رجال ابن داود، ص ۸۲، ش ۲۹۹، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۷۱، ش ۱۹۰ پانویشت آن.)

به هر حال این کلمه هرگونه که قرائت شود، کنایه از این است که این محدث بزرگوار از دانش فراوانی برخوردار بوده و یکی از چهره‌های برجسته عصر خویش به شمار می‌آمده، تاجایی که خلیفه مقتدر و نیرومند عباسی، این چهره پرآوازه شیعه را در برهه‌ای از زمان، از نزدیکان خود قرار داده و خود را به او نزدیک می‌کرده است. این جمله کنایه از این است که جعفر بن بشیر از دانش فراوانی برخوردار

موثق حدیث نقل می‌کرد و راویان موثق هم از او حدیث نقل می‌کردند.^{۲۲}

شیخ طوسی در شرح حال وی می‌گوید:

او صاحب کتاب و «ثقة جلیل القدر» است.^{۲۳}

کشتی به نقل از نصر بن صباح می‌گوید:

وی گرفتار دستگاه ستم شد و تازیانه‌های فراوان به او زدند و سختی‌های زیادی را تحمل کرد تا اینکه خداوند متعال او را نجات داد و از زندان رها شد. بعد از شهادت حضرت رضا علیه السلام، مأمون عباسی با جعفر بن بشیر از در دوستی در آمد و زمانی او را از همراهان خویش قرار داد.^{۲۴}

ابن حجر عسقلانی در یاد کرد او می‌گوید:

جعفر بن بشیر کوفی یکی از مصنفان شیعه است که از علی بن موسی الرضا علیه السلام و جمعی دیگر حدیث گزارش می‌کند.^{۲۵}

عمر کحاله، دانشمند معروف اهل سنت درباره او چنین آورده است:

«جعفر بن بشیر بجلی یکی از محدثان و فقیه شیعه است.»^{۲۶}

زرکلی درباره او چنین آورده است

«او یکی از علمای شیعه است که در سرزمین ابواء درگذشت.»^{۲۷}

چنان‌که پیش‌تر گذشت تاریخ ولادت او مشخص نیست؛ اینکه وی از اصحاب امام رضا علیه السلام شمرده شده^{۲۸} حدوداً بین سال‌های ۱۴۰ تا ۱۵۵ق به دنیا آمده است و در سال ۲۰۸ق^{۲۹} پنج سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام در سال وفات سیده نفیسه بنت حسن بن زید بن حسن درگذشت.^{۳۰}

ب: مشایخ و شاگردان

جعفر بن بشیر از محدثان شیعی است که نزد دانشمندان بسیاری درس آموخت و از آنان روایت کرد. او

بوده است. (تفقیح المقال، ج ۱۵، ص ۷۰، ش ۱۹۰، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۶۱۲).

۲۲. رجال النجاشی، ص ۱۱۹، ش ۳۰۴.

۲۳. الفهرست، ص ۴۳، ش ۱۳۱.

۲۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۶۴۱، ح ۱۱۲۵.

۲۵. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۱۰، ش ۴۵۰.

۲۶. معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۱۳۵.

۲۷. الاعلام، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲۸. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۳۵۳، ش ۵۲۳۸.

۲۹. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۱۹، ح ۳۰۴؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۶۴۱، ح ۱۱۲۵.

۳۰. ر.ک: مرآت الجنان، ج ۲، ص ۴۳ به نقل از تهذیب المقال، ج ۴، ص ۳۱۴.

نزدیک به هشتاد نفر نقل حدیث کرد و کتاب‌های بیش از هشتاد نفر را روایت کرده که برخی از آنان چندین کتاب داشته‌اند آیت الله خویی با حذف عناوین تکراری قریب به هشتاد استاد وی را برشمرده، که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. اسحاق بن عمار؛ ۲. زید شحام؛ ۳. عبدالله بن بکیر بن اعین؛ ۴. حماد بن عثمان؛ ۵. ادیم بن الحر؛ ۶. ذریح محاربی؛ ۷. سلیمان بن سماعه؛ ۸. داود رقی؛ ۹. بشیر دهان؛ ۱۰. موسی بن بکر؛ ۱۱. عمر بن ابان؛ ۱۲. هشام بن سالم؛ ۱۳. مفضل بن عمر؛ ۱۴. سماعه بن مهران؛ ۱۵. ابان بن عثمان؛ ۱۶. علاء بن رزین؛ ۱۷. هشام بن سالم؛ و...^{۳۱}

شاگردان زیادی از او اخذ حدیث کرده‌اند که برخی از شاگردان و راویان معروف وی عبارت‌اند از:

۱. ابو عبدالله احمد بن محمد بن خالد برقی؛ ۲. ابراهیم بن هاشم؛ ۳. احمد بن محمد؛ ۴. حسین بن حسین لؤلؤی؛ ۵. حسین بن حسن؛ ۶. سهل بن زیاد؛ ۷. صالح بن سندی؛ ۸. محمد بن اسماعیل بن بزیع؛ ۹. محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و...^{۳۲}

ج: احادیث و میراث علمی جعفر بن بشیر و گرایش‌های فکری او

گزارش‌های تاریخی و آثار ماندگار از نخستین قرن‌های هجری، نشان دهنده آن است که میراث علمی و حدیثی شیعه میراثی مکتوب و مضبوط است؛ از این رو مهم‌ترین معیارهای سنجش اندیشه‌ها و گرایش‌های فکری، تأثیر علمی و شناخت ابعاد دانش و آگاهی افراد در نگاشته‌های به جا مانده و یا گزارش شده از ایشان است. همچنان که اشاره شد جعفر بن بشیر به فراوانی دانش وزیایی و گل آن - ففحة العلم - توصیف شده است از همین رو، شخصیتی بزرگ و دارای ابعاد مختلف از خود به نمایش نهاده است. جعفر بن بشیر در منابع حدیثی جایگاه ویژه‌ای دارد. تنها در کتب اربعه و وسائل الشیعه از وی بیش از ۴۲۵ روایت نقل شده است^{۳۳} این آمار غیر از احادیثی است در کتاب‌های دیگر شیخ صدوق و دیگر محدثان گزارش شده است.

جعفر بن بشیر مؤلف آثار متعددی است. وی کتابی داشته که به امام صادق علیه السلام منسوب بوده است. او این کتاب را از امام رضا علیه السلام روایت کرده بود.^{۳۴} نام برخی از کتاب‌های جعفر بن بشیر عبارت است از:

۱. کتاب المشیخة، مانند کتاب حسن بن محبوب^{۳۵} ولی مقداری از او کوچکتر است؛^{۳۶} ۲. کتاب الصلاة؛^۳

۳۱. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۲۴ و ۲۵، ش ۲۱۴۱.

۳۲. همان.

۳۳. این آمار با استفاده از نرم افزار درایه النور استخراج شده است

۳۴. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۱۹، ش ۳۰۴.

۳۵. نجاشی در ذیل نام داود بن کوره قمی و احمد بن حسین بن عبدالملک نسبت داده است. (ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۵۸ ش ۴۱۶ و ص ۸۰ ش ۱۹۳) کتاب المشیخة ابن محبوب از نخستین کتاب‌های است که در موضوع علم رجال نگارش یافته و متأسفانه مانند دیگر کتب اصحاب ائمه به دست ما نرسیده است.
۳۶. کتاب‌هایی که با عنوان المشیخة از سوی فهرست‌نگاران یاد شده‌اند. به آن دسته آثاری اطلاق می‌شود که تبویب آنها براساس معانی

کتاب المکاسب؛ ۴. کتاب الصيد؛ ۵. کتاب الذبائح؛ ۶. کتاب النوادر. ۳۷

دو: مستند نظریه «وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر»

مستند این نظریه و عمده استدلال بر وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر، «سخن نجاشی» است. در توصیفات نجاشی از جعفر بن بشیر عباراتی دیده می‌شود که سبب چنین برداشتی شده است. او می‌نویسد:

«جعفر بن بشیر ابو محمد البجلی الوشاء من زهاد أصحابنا و عبادهم و نساکهم و کان ثقةً،... روی عن الثقات و رووا عنه»^{۳۸} جعفر بن بشیر ابو محمد بجلی، از زاهدان، عابدان و پرهیزگاران شیعه است... او فردی ثقة و مورد اعتماد بوده و از [اساتید] ثقة نقل روایت می‌کند. و [شاگردان] ثقة نیز از او روایت می‌کنند».

برخی با استناد به سخن نجاشی مشایخ جعفر بن بشیر و شاگردان او را ثقة می‌دانند. وحید بهبهانی در تعلیقه‌اش بر **منهج المقال** در شرح حال جعفر بن بشیر یاد آور وثاقت مشایخ وی نشده است،^{۳۹} ولی در **فوائد الرجالیه** ضمن فائده دوم^{۴۰} و هم‌چنین در یادکرد برخی راویان، روایت جعفر بن بشیر از آنان را نشانه وثاقت‌شان دانسته است.^{۴۱} به بیان دیگر او بر این باور است که اساتید روایی جعفر بن بشیر همگی ثقة هستند؛ هر چند که توثیق آشکاری برای ایشان نیامده باشد. بعضی از جمله حاجی نوری با استناد این عبارت نجاشی قائل به این شده‌اند که این شخص «لایروی الا عن ثقة»،^{۴۲}

نقد و بررسی

این نظریه بیش‌تر از سوی رجالیان معاصر مورد نقد و نظر قرار گرفته است. در این میان آیت الله خویی و به تبع او استاد سبحانی^{۴۳} و استاد داوری،^{۴۴} دو اشکال بر نادرستی نظریه توثیق مشایخ جعفر بن بشیر ارائه کرده است که دلیل دوم ایشان چندان قابل پذیرش نیست. با تکیه به مطالب معجم رجال الحدیث این بحث را پی می‌گیریم:

فقه باب‌گذاری شده‌اند و نه بر پایه ابواب فقهی یا اسماء اصحاب اصول و راویان از ائمه. ر.ک: **تهذیب المقال**، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳۷. ر.ک: **رجال النجاشی**، ص ۱۱۹، ش ۳۰۴.

۳۸. همان.

۳۹. ر.ک: **تعلیقه علی منهج المقال**، ص ۸۲.

۴۰. ر.ک: **تعلیقه الوحید علی منهج المقال**، ص ۵۴، ص ۱۱۰. **الفوائد الرجالیه**، ص ۴۸، **منهج المقال**، ج ۱، ص ۱۴۷ (مقدمه فائده دوم) «روایة محمد بن اسماعیل بن میمون أو جعفر بن بشیر عنه فإن کلاً منهما أمانة التوثیق لما ذکر فی ترجمتهما».

۴۱. ر.ک: **تعلیقه علی منهج المقال**، ص ۵۶ و ۱۱۰ و ۱۱۲ و ۱۲۳ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۲۳۰ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۱۱ و ۲۲۵ و ۲۲۹ و ۲۴۰ و ۲۶۷ و...

۴۲. ر.ک: **خاتمة المستدرک**، ج ۷، ص ۱۰۹. (**مستدرک الوسائل**، ج ۳، ص ۷۷۷ چاپ سنگی، فائده دهم).

۴۳. ر.ک: **کلیات فی علم الرجال**، ص ۲۷۹.

۴۴. ر.ک: **اصول علم الرجال**، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱. اشکال دلالی (عدم دلالت حصر از کلام نجاشی)

در دلالت سخن نجاشی که جعفر بن بشیر تنها از ثقات روایت کرده باشد، حصری مشاهده نمی‌شود با توجه به آن که نجاشی از ادبیات و تعابیری که دلالت بر حصر کند، چون «انما یروی عن الثقة» یا «لایروی الا عن ثقة» بهره نبرده است. از این رو، جمله «روی عن الثقات» نمی‌تواند بیانگر انحصار باشد و از آن دلالتی استفاده نمی‌شود، که جعفر بن بشیر از غیر ثقة روایت نقل نمی‌کند. به بیان دیگر عبارت در مقام حکم کلی برای تمامی مشایخ و راویان او نیست تا بدین سان تمام اساتید و یا شاگردان جعفر بن بشیر را ثقة بدانند. این عبارت فاقد چنین دلالتی است.

مؤید این سخن ادامه کلام نجاشی است. وی در باره شاگردان او نیز می‌گوید: «رووا عنه» و [شاگردان] ثقة نیز از او روایت می‌کنند. چنین چیزی ممکن نیست؛ زیرا نقل روایت کردن ثقة یا غیر ثقة از استاد، در اختیار استاد نیست، در حالی که ضعیفان برآیند، تا از هر شخصی به ویژه بزرگان و حتی معصومان علیهم‌السلام نقل حدیث کنند^{۴۵} و کم نبودند دروغ‌گویانی که در عصر اهل بیت علیهم‌السلام که بر آنان دروغ بسته‌اند و روایات جعلی را به آنان نسبت داده‌اند، و سخن متواتر و مشهور نبوی که گله از فزونی دروغ‌گویان بر حضرتش دارد^{۴۶} و هم‌چنین دیگر سخنان پیشوایان هم‌چون امام صادق علیه‌السلام^{۴۷} و امام رضا علیه‌السلام^{۴۸} گواه بر جریان دروغ‌سازی‌های عصر حضور دارد. وقتی بر معصومان علیهم‌السلام سخنان دروغ ببندند پروا ضح است که راویانی مانند جعفر بن بشیر نیز از این امر مصون نخواهد بود. بنابراین، سخن نجاشی چه از ناحیه شاگرد و چه از جانب استاد دلالت بر حصر نمی‌کند و استفاده حصر از آن را بعید می‌نمایاند. نهایتاً با توجه به روایات جعفر بن بشیر در منابع حدیثی، می‌توان گفت بیش‌تر روایات «جعفر بن بشیر» از افراد ثقة بوده و راویان ثقات نیز از او فراوان نقل حدیث کرده‌اند و این امر نوعی مدح او به شمار می‌آید. در مقابل کسانی که فراوان از ضعف نقل روایت کرده‌اند و ضعیفا هم فراوان از آن روایت گزارش کرده‌اند موجب قدح راوی به شمار می‌آید.^{۴۹} بدین ترتیب نمی‌توان مدعی شد که عبارت نجاشی در مقام حصر بوده و بر این اساس تمام اساتید و شاگردان وی، از وثاقت برخوردارند.

۲. اشکال نقضی

اشکال دومی که نادرستی نظریه را به تصویر می‌کشاند، حضور راویان ضعیف در میان اساتید جعفر بن بشیر است. مشایخ جعفر بن بشیر سه دسته‌اند؛ نخست راویانی هستند که در رجال توثیق شده‌اند، گروه دیگر از مشایخ کسانی هستند که در رجال جرح و تعدیل نشده‌اند، اگر اساتید وی ناشناخته باشند، طبیعی است که مشکلی ایجاد نخواهد شد. دسته سوم مشایخی هستند که در رجال تضعیف یا مورد طعن واقع

۴۵. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۷۲.

۴۶. ر.ک: الارشاد، ج ۱، ص ۶۲۳، الامالی للطوسی، ص ۲۲۷، ح ۳۹۸، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۷۳، ح ۹۶.

۴۷. «... إنا اهل بیت صادق لا تخلو من کذاب یکذب علینا، فیسقط صدقتنا بکذبه علینا عند الناس»؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۹۵.

۴۸. ر.ک: همان، ص ۲۲۲، ش ۴۰۱.

۴۹. ر.ک: اصول علم رجال، ج ۲، ص ۲۳۱.

شده‌اند. مخالفان نظریه توثیق مشایخ جعفر بن بشیر، مشایخ ضعیف ایشان را اشکال نقضی قائلان توثیق مشایخ جعفر بن بشیر می‌دانند. دو تن از اساتید ایشان که رجالیان پیشین بر ضعف آنان تصریح کرده‌اند عبارتند از: صالح بن حکم نیلی^{۵۰} و عبدالله بن محمد جعفری^{۵۱}، با توجه به این که مستند نظریه کلام نجاشی است و تضعیف کننده هم او است. این امر سبب نادرستی کلیت وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر شده است. هم‌چنین شیخ طوسی در دو جای تهذیب^{۵۲} روایت جعفر بن بشیر را به جهت ارسال ضعیف دانسته است.^{۵۳} بدین ترتیب با توجه به این دو اشکال یاد شده نمی‌توان در مورد جعفر بن بشیر گفت «لایروی الآ عن ثقة»^{۵۴}.

نگارنده بر این باور است که اشکال نخست (دلالی) آیت الله خویی وارد است؛ زیرا تعبیر «روی عن الثقات و رووا عنه» دلالت بر حصر ندارد، بلکه در مقام مدح و ستایش راوی است^{۵۵} و مدح و تعریف راوی را هدف قرار داده است. در حقیقت می‌خواهد این نکته را بیان کند که او فراوان از راویان ثقة نقل روایت می‌کند و ثقات نیز از او نقل روایت می‌نمایند. به تعبیر دیگر احادیث وی قابل توجه و تأمل است. چه اینکه در مقابل، کثرت نقل روایت از ضعف موجب قبح راوی است؛ چنان‌چه اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم به جهت کثرت نقل روایت از ضعف و اعتماد به مراسیل و در حقیقت نوعی ذم و قبح برقی بوده و از این منظر تفسیر می‌شود.^{۵۶} افزون بر آن، رجالیان معاصر نجاشی، شیخ طوسی - کشی و دیگران - در یاد کرد جعفر بن بشیر متعرض ادعای مذکور نشده و روایت مرسل جعفر بن بشیر را مردود دانسته‌اند و در مواردی دلالت آن را نیز نقد کرده‌اند.

اما اشکال دوم آیت الله خویی و دیگران وارد نیست؛ زیرا موارد نقضی استدلال ایشان قابل جواب و دفاع است. پیش‌تر گذشت که آیت الله خویی به دو مورد نقضی - در میان اساتید جعفر - اشاره کردند. تتبع در اسانید

^{۵۰} ر.ک: رجال النجاشی، ص ۲۰۰، ش ۵۳۳، شیخ با سند صحیح خود نقل می‌کند: «عن محمد بن علی بن محبوب، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشیر، عن صالح بن الحكم، قال سألت أبا عبدالله (ع) ... تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۹۳ ح ۸۹۷.

^{۵۱} شیخ صدوق در یاد کرد طریق خود به عبد الله بن محمد الجعفری می‌نویسد: «فقد رویته عن ابی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، عن جعفر بن بشیر عن عبدالله بن محمد الجعفری... من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۹ قسم المشیخه.

شیخ طوسی عبدالله جعفری را از اصحاب امام سجاد، باقر و صادق (ع) شمرده است. (ر.ک: رجال الطوسی، ص ۱۱۸ ش ۱۱۹۸ ص ۱۳۹، ش ۱۴۷۳ و ص ۲۳۱، ش ۳۱۳۳) نجاشی در شرح حال جابر بن یزید جعفری او را ضعیف شمرده است. رجال النجاشی، ص ۱۲۹ ش ۳۳۲.

^{۵۲} الف: فاما الحبر الذی رواه محمد بن احمد بن یحیی عن محمد بن الحسن بن جعفر بن بشیر عمّن رواه عن ابی عبدالله (ع) قال: سألته عن رجل و... تهذیب الاحکام، ج ۱ ص ۱۹۶ ح ۴۱.

ب: سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسن بن ابی الخطاب عن جعفر بن بشیر عن عبدالله بن سنان أو غیره عن عبدالله (ع) مثل ذلك. همان، حدیث ۴۲.

^{۵۳} «فالول ما فيه أنه خبر مرسل منقطع الا سناد، لأن جعفر بن بشیر فی الروایة الاولى قال عمّن رواه و هذا مجهول يجب إطرأحه، و فی الروایة الثانية قال عن عبدالله بن سنان أو غیره فأورده وهو شاک فيه، و ما یجرى هذا المجرى لا یجب العمل به.» همان.

^{۵۴} نجاشی در شرح حال جابر بن یزید جعفری وی را تضعیف نموده است. (ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۲۸، ش ۳۳۲) وی در طریق صدوق به جعفر بن بشیر آمده است. ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۹.

^{۵۵} ر.ک: اصول علم رجال، ج ۲، ص ۲۳۱.

^{۵۶} ر.ک: مجله علوم حدیث، ص ۱۴۱، مقاله توثیق مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری در تراوی نقد. ش ۷۱، سال نشر ۱۳۹۳.

روایات نشان می‌دهد، اسامی دیگری نیز در میان مشایخ جعفر بن بشیر دیده می‌شود، که برخی از رجالیان آنان را ضعیف شمرده‌اند. از این افراد معمولاً به عنوان نقض کننده نظریه یاد می‌شود. این اسامی چهارده نفرند. با توجه به کثرت روایات جعفر بن بشیر در کتب اربعه، این تعداد در بررسی اسانید روایات کتب اربعه و وسائل الشیعه و رجال کشی، استخراج شده‌اند که عبارتند از:

۱. ابو جمیله مفضل بن صالح؛ تنها در یک گزارش تحویلی در کتاب الکافی جعفر بن بشیر از او روایت کرده است.^{۵۷} نجاشی در شرح حال جابر بن یزید جعفی وی را ضعیف شمرده است.^{۵۸} و ابن غضائری او را دروغ گو و حدیث ساز شناسانده است.^{۵۹}

۲. ابن جریح (عبد الملك بن عبد العزيز بن جریح)؛ نام وی در سند روایتی در کتاب رجال کشی به عنوان استاد جعفر بن بشیر آمده است.^{۶۰} او عامی و یا بتری مذهب است که البته بسیار علاقمند به اهل بیت بوده است.^{۶۱}

۳. أبان بن عثمان؛ استاد جعفر بن بشیر است.^{۶۲} کشی او را ناووسی خوانده است.^{۶۳} هر چند وی در شمار اصحاب اجماع است.^{۶۴}

۴. إسحاق بن عمار؛ جعفر بن بشیر از روایات زیادی نقل کرده است.^{۶۵} وی ثقة است اما دارای ضعف مذهب (فطحی) است.^{۶۶}

۵. حنّان (بن سدیر)؛ نام وی در اسناد الکافی پس از جعفر بن بشیر آمده است.^{۶۷} شیخ طوسی او را واقفی مذهب دانسته است.^{۶۸}

۶. داود بن کثیر رقی؛ استاد جعفر بن بشیر است.^{۶۹} نجاشی و ابن غضائری او را تضعیف کرده‌اند.^{۷۰}

۵۷. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۲ ح ۳.

۵۸. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۲۹، ش ۳۳۲.

۵۹. ر.ک: رجال ابن غضائری، ص ۸۸ ش ۱۱۸؛ خلاصة الأقول، ص ۴۰۷، ش ۱۶۴۸.

۶۰. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۰، ح ۱۰۷.

۶۱. ر.ک: همان، ص ۳۹۰، ح ۷۳۳.

۶۲. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۵ و ج ۴، ص ۳۰۸، ح ۲ و....

۶۳. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۴۱۷، ش ۶۶۰.

۶۴. ر.ک: همان، ص ۳۷۵، ش ۷۰۵.

۶۵. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۸ و ج ۵، ص ۸۱، ح ۵، و....

۶۶. ر.ک: الفهرست، ص ۱۵، ش ۵۲.

۶۷. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۸.

۶۸. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۳۴۶، ش ۴۹۷۴.

۶۹. ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۵۲، ح ۲.

۷۰. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰، رجال ابن غضائری، ص ۵۸، ش ۴۶.

۷. سعد الإسكاف (بن طریف)؛ استاد جعفر بن بشیر است.^{۷۱} نجاشی در شرح حال او نوشته است: «إنه يعرف وینکر».^{۷۲}
۸. سعید بن خيثم [ابو معمر الهاللی]؛ استاد جعفر بن بشیر است.^{۷۳} نجاشی به ضعف او تصریح کرده است. او و برادرش معمر را از داعیان زید خوانده‌اند.^{۷۴}
۹. صالح بن الحكم النیلی؛ نام وی در اسناد شیخ طوسی پس از جعفر بن بشیر دیده می‌شود.^{۷۵} او نیز ضعیف و به ضعفش تصریح شده است.^{۷۶}
۱۰. عبد الله بن بکیر؛ استاد جعفر بن بشیر است.^{۷۷} شیخ طوسی به ضعف مذهب او تصریح می‌کند هر چند وی را در نقل روایت ثقة می‌داند.^{۷۸}
۱۱. عبدالله بن محمد جعفی؛ شیخ صدوق در طریق خود به وی نام جعفر را به عنوان شاگرد او نگاشته است.^{۷۹} نجاشی در ضمن یادکرد جابر بن یزید جعفی او را ضعیف شمرده است.^{۸۰}
۱۲. علی بن ابي حمزة (بطائنی)؛ او از مشایخ روایی جعفر بن بشیر است.^{۸۱} کشی او را دروغ گو و ملعون دانسته است.^{۸۲}
۱۳. مفضل بن عمر؛ نام وی در دو سند به عنوان استاد جعفر بن بشیر آمده است.^{۸۳} نجاشی وی را دارای فساد مذهب دانسته و روایتش را مضطرب خوانده است و می‌نویسد به روایات او توجه نمی‌شود چه اینکه خطابی مسلک است.^{۸۴}

۷۱. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۱۰.

۷۲. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۷۸، ش ۴۶۸.

۷۳. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۳۸، ح ۱۷۵۰.

۷۴. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۸۰، ش ۴۷۴.

۷۵. ر.ک: تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۸۹۷.

۷۶. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۲۰۰، ح ۵۳۳.

۷۷. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۹ و ج ۷، ص ۷۵، ح ۱، و....

۷۸. ر.ک: الفهرست، ص ۱۰۶، ش ۴۵۲.

۷۹. ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۹.

۸۰. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۲۹، ش ۳۳۲.

۸۱. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۳۵.

۸۲. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۴۶۷، ش ۷۵۵.

۸۳. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۳، الاستبصار، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۶۷۱.

۸۴. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.

۱۴. موسی بن بکر وسطی؛ او نیز یکی دیگر از اساتید جعفر بن بشیر است.^{۸۵} شیخ طوسی واقفی بودن او را بیان کرده است.^{۸۶}

نقد و بررسی

در پاسخ به اشکال نقضی مشایخ ضعیف جعفر بن بشیر باید گفت، مشایخ ضعیف وی دو دسته‌اند:

۱. دسته نخست راویانی که متهم به فساد در مذهب هستند؛ مانند: ابان بن عثمان، عبد الله بن بکیر، حنان بن سدیر، اسحاق بن عمار و برخی دیگر. باید دانست که انحراف اعتقادی برخی از راویان قابل اثبات نیست و برخی دیگر در عین فساد مذهب توثیق شده‌اند مانند: اسحاق بن عمار و عبدالله بن بکیر. وثاقت و یا فساد مذهب برخی نیز اختلافی است، مانند: ابان بن عثمان. و برخی دیگر، روایت جعفر بن بشیر از آنان در زمان سلامت اعتقادشان بوده است؛ زیرا با توجه به برخورد ائمه اطهار و حساسیتی که آنان و اصحاب ایشان نسبت به واقفیه داشته‌اند، بعید است فردی مانند جعفر بن بشیر که از اجلای امامیه به شمار می‌آید در زمان وقف یا انحراف اعتقادیشان از آنان روایت گزارش کرده باشد؛ زیرا مثل جعفر بن بشیر، یونس بن عبد الرحمان، ثقات سه‌گانه و... جزو پیش‌گامان مبارزه و مقابله با واقفیه بوده‌اند، چگونه خود از آنان نقل حدیث کرده‌اند؟

۲. دسته دیگر کسانی که در رجال تضعیف شده‌اند. ولی به لحاظ رجالی و طبقه‌شناسی جزو مشایخ جعفر بن بشیر به شمار نمی‌آیند، بلکه واسطه بین ایشان افتاده است. اینان عبارتند از:

۱. سعد بن طریف

وجود او در شمار اساتید جعفر، خللی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا:

اولاً: به لحاظ طبقه‌شناختی او را نمی‌توان استاد بدون واسطه جعفر بن بشیر دانست. با تکیه بر اطلاعات طبقه‌شناسی، «جعفر بن بشیر» در طبقه شاگردان «سعد بن طریف» قرار ندارد؛ زیرا «جعفر بن بشیر» متوفای سال ۲۰۸ق^{۸۷} و از اصحاب امام رضا علیه السلام است.^{۸۸} و روایت وی از امام صادق علیه السلام با واسطه گزارش شده است در حالی که «سعد بن طریف» از اصحاب امام سجاد، باقر و صادق علیهم السلام به شمار می‌آید.^{۸۹}

ثانیاً: شیخ طوسی او را صحیح الحدیث دانسته^{۹۰} یعنی وی در حوزه نقل حدیث شخصی قابل اعتماد است. افزون بر این، روایت جعفر بن بشیر از سعد در غیر سند الکافی در جای دیگری واقع نشده است. بنابراین، روایتش از سعد مرسل است، و جزو مشایخ بی‌واسطه او محسوب نمی‌شود.

^{۸۵}. ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۲۷۹، ح ۶ و ج ۵، ص ۲۶۵، ح ۶، و...

^{۸۶}. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۳۴۲، ش ۵۱۰۸.

^{۸۷}. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۱۹، ش ۳۰۴، و اختیار معرفة الرجال، ص ۶۰۵، ش ۱۱۲۵.

^{۸۸}. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۳۵۳، ش ۵۲۳۸.

^{۸۹}. ر.ک: همان، ص ۱۱۵، ش ۱۱۴۷، و ص ۱۳۶، ش ۱۴۳۰ و ص ۲۱۲، ش ۲۷۶۵.

^{۹۰}. ر.ک: همان.

۲. سعید بن خنیث

روایت بی واسطه جعفر بن بشیر از سعید بن خنیث نیز قابل اثبات نیست؛ زیرا وی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام شمرده شده است.^{۹۱} ابن غضائری در باره او می گوید: او تابعی است و از پیامبر صلی الله علیه و آله به واسطه جد مادری خود عبید بن عمر الکلابی نقل روایت کرده است.^{۹۲} بدین ترتیب، روایت جعفر بن بشیر که از اصحاب امام رضا علیه السلام است و در سال ۲۰۸ ق وفات کرده از سعید بن خنیث تابعی بعید به نظر می رسد.

۳. ابن جریح

روایت جعفر بن بشیر از ابن جریح — از فقهای عامی متوفای ۱۵۱ ق —^{۹۳} نیز مرسل است؛ زیرا تنها در خبر کشی نام وی در شمار اساتید جعفر آمده است^{۹۴} و حال آنکه همان روایت در گزارش کتاب الاختصاص چنین آمده است:

«محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن ذریح بن محمد المحاربی، عن ابي عبد الله علیه السلام وعن ابن جریح وغيره من ثقیف و...»

بنابراین، در نقل الاختصاص صفوان با واسطه از ذریح بن محمد محاربی نقل کرده است و عبارت «و عن ابن جریح وغيره و...» مردد است بین این که ابن جریح از امام صادق علیه السلام بی واسطه نقل کرده و یا از ابن عباس با واسطه نقل کرده است^{۹۵} و جعفر بن بشیر از ذریح بن محمد محاربی نقل روایت کرده است.^{۹۶} به نظر می رسد با توجه به این که «جعفر بن بشیر» در طبقه «صفوان» قرار دارد احتمال اشتباه نوشتاری در سند کشی وجود دارد. و شاید سند چنین باشد. «جعفر بن بشیر عن ذریح بن محمد المحاربی عن ابي عبد الله علیه السلام و ابن جریح...». و این امر سبب شده است که ابن جریح را جزو مشایخ جعفر بن بشیر بدانند. افزون بر آن، وجود اختلاف در نسخه های کشی بیانگر اضطراب در سند آن است؛ زیرا در نسخه ای از رجال کشی - موجود در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی - ابن شریح به جای ابن جریح ضبط شده است.^{۹۷} و نیز در ترتیب الکشی عنوان شریح نقل شده است. هم چنین در نسخه چاپ آل البیت عنوان جریح واقع شده است.^{۹۸}

۹۱. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۲۱۳، ش ۲۷۸۲، رجال النجاشی، ص ۱۸۰، ش ۳۷۴۰.

۹۲. ر.ک: رجال ابن الغضائری، ص ۶۴، ش ۵۷.

۹۳. ر.ک: تاریخ الكبير، ج ۵، ص ۴۲۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۴۰۰ - ۴۰۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۲۵؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۲۶؛ الفهرست لابن ندیم، ص ۲۸۲.

۹۴. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۰، ش ۱۰۷.

۹۵. ر.ک: درس گفتارها، سید جواد شبیری.

۹۶. ر.ک: تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۶؛ بصائر الدرجات، ص ۳۶۰، ح ۹؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۴۳۸، ش ۶۹۸.

۹۷. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، پاورقی ص ۱۳۰، ش ۱۰۷ و ص ۴۹ (مقدمه).

۹۸. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ش ۱۰۷.

گفتنی است در معرفی برخی دیگر به عنوان استاد جعفر بن بشیر، تردیدهایی وجود دارد. به عنوان نمونه روایت جعفر بن بشیر از صالح بن حکم نیلی مرسل است؛ زیرا طریق شیخ صدوق به صالح به واسطه حماد بن عثمان واقع شده است.^{۹۹}

همچنین روایت بی‌واسطه جعفر بن بشیر از عبد الله بن محمد جعفری که از اصحاب امام سجاده، باقر و صادق علیهما السلام شمرده شده،^{۱۰۰} بعید است؛ زیرا جعفر بن بشیر از امام صادق علیه السلام با واسطه نقل روایت کرده است و عبدالله از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیز شمرده نشده است و حیات وی بعد از امام صادق علیه السلام ثابت نیست. بنابراین، هر چند تعداد مشایخ ضعیف جعفر بن بشیر اندک هستند، و این بیانگر آن است که چه بسا یکی از مستندات نجاشی در این نظریه تحفظ جعفر بن بشیر در نقل روایت از مشایخ ثقه بوده و از غیر ثقه اجتناب می‌کرده است که هر چند اثبات آن دشوار است و یا استقرا و جستجو در اکثر مشایخ جعفر بن بشیر بوده است که وقتی آنان را ثقه یافته، حکم به وثاقت مروی عنه وی نموده است. نه اینکه سخن نجاشی بیانگر منش همیشگی جعفر باشد. بر این اساس نمی‌توان تمام مشایخ او را ثقه دانست.

نتیجه‌گیری

کوتاه سخن آنکه، استدلال به وثاقت مشایخ «جعفر بن بشیر» به حسب دلالت تام و تمام نیست؛ لکن اشکال نقضی مرحوم آیت الله خوئی را نمی‌توان وارد دانست؛ زیرا کسانی که به عنوان مشایخ ضعیف در اسانید روایات واقع شده‌اند برخی از آنان هر چند متهم به فساد مذهب هستند، ولی در دیگر مصادر رجالی توثیق شده‌اند و یا اینکه به دلیل ارسال و افتادگی واسطه در اسانید روایات، جزو مشایخ مستقیم «جعفر بن بشیر» محسوب نمی‌شوند. بنابراین، با وجود اشکال دلالی استدلال مذکور تام نیست. هر چند بیش‌تر مشایخ ایشان ثقه‌اند.

^{۹۹}. ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۵.

^{۱۰۰}. ر.ک: رجال الطوسی، ص ۱۳۹، ش ۱۴۷۳ و ص ۲۳۱، ش ۳۱۳۳.

۱. *اختیار معرفة الرجال*، معروف به رجال الکشی، تحقیق: محمد تقی فاضل میبدی و موسویان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
۲. *الإرشاد*، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳. *الاستبصار*، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۴. *اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق*، مسلم داوری، تحقیق: محمد علی علی معلم، بی جا: ناشر مؤلف، چاپ اول.
۵. *الأمالی*، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، تحقیق: مؤسسه بعثت، قم: ناشر دار الثقافة للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۶. *ایضاح الاشتباه*، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، تحقیق: محمد حسن سون، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۷. *بحار الانوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۲ق.
۸. *بحوث فی مبانی علم الرجال*، محمد سند، مقرر محمد صالح تبریزی، قم: مکتبه فدک، ۲۰۰۸ م - ۱۴۲۹ق.
۹. *بصائر الدرجات*، محمد بن حسن بن فروخ، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. *التاریخ الكبير*، بخاری، مکتبه الإسلامیه، دیار بکر، ترکیا، بی تا.
۱۱. *تعليقة الوحيد على منهج المقال*، وحید بهبهانی، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۲. *تنقيح المقال*، عبدالله مامقانی، تحقیق: محی الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۳. *تنقيح المقال*، عبدالله مامقانی، چاپ سنگی.
۱۴. *تهذيب الأحكام*، محمد بن حسن طوسی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۱۵. *الجامع فی الرجال*، موسی زنجانی، قم: چاپخانه پیروز، چاپ اول، ۱۳۹۴ق.
۱۶. *خاتمه مستدرک الوسائل*، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم: آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۷. *خلاصة الأقوال*، حسن بن یوسف حلی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۸. *رجال البرقی*، أحمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: محمد جواد قیومی، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۹. *رجال الخاقانی*، علی خاقانی، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، قم: مرکز نشر الاعلام اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۰. *رجال الطوسی*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق: محمد جواد قیومی،

- قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۱. *رجال النجا شی*، احمد بن علی ابوالعباس، تحقیق: موسی زنجانی، قم: نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
۲۲. *رجال*، احمد بن حسین ابن الغضائری، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۳. *سیر اعلام النبلاء*، شمس الدین ذهبی، تحقیق: محمد نعیم عرقوسی، مأمون صاغرچی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق - ۱۹۹۳م.
۲۴. *عدة الاصول الفقه*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق: محمد رضا انصاری، قم: نشر ستاره، چاپ اول، ۱۳۷۶ش - ۱۴۱۷ق.
۲۵. *الفوائد* (ضمن رجال خاقانی)، وحید بهبهانی، تحقیق: حسن خاقانی، قم: مکتب اعلام اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۶. *الفهرست*، ابن ندیم، تهران، چاپ تجدد، ۱۳۵۰ش.
۲۷. *الفهرست*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: مکتبه المرتضویه، بی تا.
۲۸. *قاموس الرجال*، محمد تقی تستری، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۹. *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۳۰. *کلیات فی علم الرجال*، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ق.
۳۱. *مستدرک الوسائل الشیعه*، میرزا حسین نوری، قم: اسماعیلیان، چاپ سنگی، ۱۳۶۳ق.
۳۲. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، علی نمازی شاهرودی، تهران: انتشارات شفق، ۱۴۱۲ق.
۳۳. *معجم المؤلفین*، عمر کماله، بیروت: مکتبه المثنی، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۴. *معجم رجال الحدیث*، ابو القاسم خویی، قم: مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
۳۵. *من لا یحضره الفقیه*، محمد بن علی (شیخ صدوق)، قم: نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
۳۶. *منهج المقال*، استرآبادی، تحقیق: سیدمهدی رجالی، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳۷. *منهج المقال*، میرزا محمد استرآبادی، چاپ سنگی، بی تا.
۳۸. *وقعة صقین*، نصر بن مزاحم، قاهره: عبدالسلام محمد هارون، ۱۳۸۲ق.

ب. نرم افزار

نرم افزار درایة النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، قم.